

## بسم الله الرحمن الرحيم

### جلوه‌های تبلیغی و تربیتی حضرت رقیه(س) در مکتب حسینی

حضرت رقیه(ع) که تربیت یافته‌ی عزت حسینی و عفت زینبی بود، نکات و جلوه‌های تبلیغی و تربیتی را ترسیم فرمود. مقاله حاضر در پی آن است که در جلوه‌های تبلیغی، نکات تبلیغی مانند پیام‌رسانی، احیای امر اهل‌بیت، رسوا کردن هیئت حاکمه، حمایت از مظلوم و جنبه هدایتی را تبیین و تشریح کند و نیز به برخی روش‌های کاربردی تبلیغی مستفاد از سیره حضرت رقیه(ع) همچون روش همراهی و روش فرصت‌شناسی اشاره کند. همچنین در جلوه‌های تربیتی، به مباحث مهم حوزه تربیت، از جمله معرفت‌شناسی، صبر و استقامت، گذشت و ایثار، پایبندی به اصول و سبک زندگی اسلامی اشاره خواهند کرد.

#### ۱. مقدمه

##### ۱-۱. بیان مسئله

حضرت رقیه(ع) فرزند خردسال امام حسین(ع) و مادر ایشان امّ اسحاق(ع) است. متأسفانه در برخی تواریخ، نام ایشان ذکر نشده است؛ اما بزرگان دین به اثبات وجود ایشان پرداخته و در برخی مقاتل، نام رقیه بیان شده است.

حتی برخی محدثان و مورخان از شخصی به نام رقیه(ع) ذکری به میان آورده‌اند که گزارش‌های موجود، حضرت رقیه(ع) را با قطع و یقین به اثبات می‌رساند و جای شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد. درنهایت به نقل از منابع معتبر، ایشان در شام و در اوج مظلومیت و غربت، در کنار سربریده پدر به شهادت رسید و بارگاه کوچک و منور او سندی دیگر از مظلومیت امام حسین(ع) برای جهانیان رقم زد و ماهیت پلید یزید را برای افکار عمومی روشن ساخت.

این پژوهش درصدد آن است با واکاوی سیره علمی و عملی حضرت رقیه(ع) به صورت روشی و کاربردی، نقش تبلیغی و تربیتی ایشان را در مکتب حسینی و بیان دستاوردهای حماسه عاشورا تبیین و تشریح نماید.

#### ۱-۲. سؤالات تحقیق

الف) سؤال اصلی: جلوه‌های تبلیغی و تربیتی حضرت رقیه(ع) در مکتب حسینی چیست؟

ب) سؤالات فرعی

چرا امام حسین(ع) خانواده خود را به کربلا برد؟ چرا باید به حمایت از مظلوم پرداخت؟ اسناد قرآنی و روایی حمایت از مظلوم چیست؟ چه

روش‌های کاربردی تبلیغی و تربیتی در سیره علمی و عملی حضرت رقیه(ع)  
وجود دارد؟ ملاک و معیار ازدواج در اسلام چیست؟ و...

۱-۳. روش تحقیق

روش این مقاله، به صورت پژوهش کتابخانه‌ای است و نیز از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است.

۱-۴. ضرورت پژوهش

درباره حضرت رقیه(ع) کتاب‌هایی تألیف شده است که در آن‌ها به صورت مشخص به اثبات حضرت رقیه(ع)، ولادت و نحوه شهادت و ورود ایشان به کربلا و حوادث آن و... اشاره نموده‌اند؛ اما در هیچ نوشتاری به صورت روشی و هدفمند به موضوع این تحقیق پرداخته‌اند. لذا ضروری است با مطالعه سیره علمی و عملی آن حضرت(ع) و کتب علما و اندیشمندان و نویسندگان محترم به صورت موجز به نقش تبلیغی و تربیتی حضرت رقیه(ع) پرداخته شود تا برای محققان، طلاب و دانشجویان، مبلغان دینی و مربیان قابل استفاده باشد و ز سیره آن حضرت(ع) روش‌های کاربردی استخراج گردد.

۱-۵. پیشینه تحقیق

با مراجعه به اسناد علمی مرتبط با حضرت رقیه(ع) روشن می‌گردد که درباره حضرت رقیه(ع) کُتبی با عناوین حضرت رقیه(ع) فرزند سیدالشهدا امام حسین(ع) (حضرت آیت‌الله جعفر تبریزی)، سرگذشت جانسوز حضرت رقیه(ع) (محمد محمدی اشتهاردی)، ریحانه کربلا: تحقیق در زندگانی و بارگاه حضرت رقیه(ع) (عبدالحسین نیشابوری)، داستان غم‌انگیز حضرت رقیه(ع) (علی شیرازی)، رقیه بنت الحسین(ع) در انساب و تاریخ (محمد حسن پاک‌دامن)، داستان‌هایی از مصائب و کرامات حضرت رقیه(ع) (عباس عزیزی) و... همچنین نوشتارهایی کوتاه به نگارش درآمده است؛ اما درباره موضوع این تحقیق هیچ کتاب و مقاله‌ای یافت نشد.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۱-۲. مفهوم رقیه

رقیه از «رقی» در لغت به معنای صعود و بالا رفتن است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۱۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۴۲۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۳۱)؛ اما در اصطلاح، نام دختر امام حسین(ع) است. اگرچه مورخان از حضرت رقیه(ع) ذکری نیاورده‌اند، اما نقل شده است وقتی امام حسین(ع) روز دوم محرم به کربلا رسید و از نام آنجا باخبر شد، فرمود:

انزلوا، هاهنا و الله محطّ ركابنا و سفك دماننا، هاهنا و الله مخطّ قبورنا و هاهنا و الله سبی حریمنا، بهذا حدثنی جدی؛

فروود آید! به خدا که اینجا جای فرود آمدن و ریختن خونهای ماست و اینجا جایگاه قبور ماست. به خدا که اینجا جای به اسارت رفتن حرم ماست و این خبر را جدّم به من داده است.

سپس میان امام(ع) و اهل حرم گفت و گویی انجام شد و حضرت زینب(ع) از شهادت امام حسین(ع) مطلع شد، زنان گریه و زاری کردند که حسین(ع) خواهر خویش حضرت ام کلثوم را تسلّی داد و فرمود:

یا اختاه تعزّی بعزاء الله، فإنّ سكان السّموات یموتون و اهل الارض لا یبقون و جمیع البریة یهلکون، یا اختاه یا ام کلثوم! و انت یا زینب و انت یا رقیة و أنت یا فاطمه و أنت یا رباب! انظرن اذا أنا قتلت فلا تشقن علی جیبا و لا تخمشن علیّ وجهها و لا تفلن علی هجرها؛ (نک: ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۱۲۲ - ۱۲۴)

خواهرم! خود را به آرامش خدا تسلّی ده، چه ساکنان آسمانها می میرند و زمینیان به جای نمانند و ما سوی الله به مرگ گرفتار آیند. خواهرم ام کلثوم! و تو ای زینب! و تو ای رقیه! و تو ای فاطمه! و تو ای رباب! بنگرید بعد از

شهادتم مبادا گریبانی چاک زنید یا چهره‌ای بخراشید، یا سخنانی ناروا بر زبان رانید.

همچنین سید امین نام ایشان را در کتاب خود ذکر کرده و می‌گوید:

در محلّه العماره دمشق قبر و مشهدی که زیارتگاه است و به او منسوب است، میرزا علی اصغر خان صدراعظم ایران در سال ۱۳۲۳ هجری آن را تجدید بنا نمود. (امین، ۱۴۰۶: ۷ / ۳۴)

## ۲-۲. تبلیغ

الف) در لغت: واژگان «تبلیغ، بلاغ و ابلاغ»، در لغت از یک ریشه بوده و به معنای «رسانیدن» هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸ / ۴۱۹).

راغب اصفهانی نیز می‌نویسد:

البُلُوغُ و البَلَاغُ، به انتهای هدف و مقصد رسیدن و یا انجام دادن کاری در پایان زمان و مکانی معین و بسا گاهی مقصود از بلوغ یعنی به پایان رسیدن، تسلط یافتن و اشراف داشتن به چیزی، تعبیر شود هرچند که به انتهایش نرسیده باشند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۴)

ب) در اصطلاح: شهید مطهری درباره اصطلاح تبلیغ می گوید:

تبلیغ از ابلاغ است و ابلاغ رساندن یک فکر یا یک پیام است؛ یعنی در مورد رسانیدن چیزی به فکر و روح و ضمیر و قلب کسی به کار می رود، لذا محتوای ابلاغ نمی تواند یک امر عادی و جسمانی باشد، حتماً یک امر معنوی و روحی است، یک فکر و یک احساس است، پس تبلیغ یعنی رساندن یک پیام از کسی به کسی دیگر. (مطهری، ۱۳۷۹: ۱/ ۳۲۱)

## ۲-۳. تربیت

الف) در لغت: واژه «تربیت» از دو ریشه «ربو» یا «ربب» گرفته شده است. البته لغت دانان در این که کدام یک، ریشه اصلی و فرعی است؛ اختلاف نظر دارند.

«تربیت» اگر از ریشه «ربو» باشد، به معنای رشد، نمو و فزونی است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/ ۲۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/ ۴۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴/ ۳۱۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۷۴). حال اگر تربیت از این ریشه گرفته شده باشد، بیشتر به پرورش جسمانی و مادی مربوط است.

اما اگر از ریشه «ربب» باشد، «رب» در اصل به معنای تربیت و پرورش است؛ یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی

و تمام و کمال آن برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶). پس تربیت از ریشه «رب» معانی متعددی همچون سرپرستی، کامل کردن، اصلاح امور، تدبیر، چیزی را ایجاد کردن و به تدریج، از حالت نقص به حد تمام رساندن و هدایت چیزی به سمت کمال و... دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد معنای تربیت از ریشه «رب» تدبیر چیزی برای کشاندن آن به سوی کمال است و در معانی دیگر، به معنای تدبیر به منظور هدایت به سوی کمال است (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۹).

ب) در اصطلاح: تربیت عبارت است از «پرورش دادن» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶)؛ «پرورش در جهت رشد و کمال» (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶: ۲/ ۴۳۷) و «استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶).

### ۳. جلوه‌های تبلیغی

#### ۳-۱. پیام‌رسانی و دفاع از حقیقت

یکی از سؤالات پژوهش که همواره از گذشته تا امروز مطرح می‌شود این است

که چرا امام حسین (ع) خانواده خود را با کودکانی همچون حضرت رقیه (ع) و حضرت علی اصغر (ع) به کربلا برد؟

بامطالعه تاریخ نهضت حسینی و واقعه عاشورا، روشن می‌گردد که همراهی خانواده امام حسین (ع) به‌ویژه کودکان و حضرت امام سجاد (ع) و زینب کبری (ع) تأثیری مثبت و جهانی در نهضت حسینی داشت و یکی از عوامل پیروزی قیام حسینی بود؛ زیرا خانواده امام حسین (ع) توانستند کار ناتمام امام (ع) را با سختی و تحمل اسارت به پایان رسانده و پیام و اهداف و ماهیت قیام و حادثه کربلا را به گوش مردم و دشمنان برسانند. در این میان حضرت رقیه (ع) به مقدار توان و حضور خویش در کربلا و شام، نقش تبلیغی در پیام‌رسانی و دفاع از حق و حقیقت داشته است. ماجرای خرابه شام و جان دادن دختر سه یا چهارساله امام حسین (ع) در آنجا با آن وضع دل‌خراش و رقت‌بار و سپس برپا شدن آن بارگاه بسیار باشکوه بر قبرش، درحالی‌که از آن‌همه شوکت ظاهری بنی‌امیه چیزی در آنجا باقی نمانده، درس عبرتی بسیار مهم برای همه عبرت‌بینان شده است که چگونه آن کاخ‌های باعظمت امویان ویران گشت و اثری از آن باقی نماند، ولی آن خرابه به برکت طفل چهارساله‌ای از خاندان پیغمبر اکرم (ص) این‌گونه آباد شد (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۶۱۴). این نحوه شهادت در تاریخ ماندگار شد و

هرکس به این موضوع بیندیشد، به یاد امام حسین(ع) و اهداف و ماهیت قیام حسینی خواهد افتاد.

در پایان این بخش به دو نکته مهم اشاره می‌گردد:

نکته نخست: نباید از نقش تبلیغی و جهادی کودکان در کربلا و نهضت حسینی غافل شد. کودکانی مانند حضرت رقیه(ع)، حضرت علی اصغر(ع)، حضرت عبدالله بن حسن(ع) و... توانستند چهره واقعی و بزک کرده دشمن را برای افکار عمومی و فریب‌خوردگان روشن کنند. آنان جزئی از عوامل موفقیت امام حسین(ع) در پیام‌رسانی و دفاع از حقیقت اسلام بودند.

نکته دوم: خانواده در موفقیت افراد و به‌ویژه مبلغان دینی نقش متمازی را ایفا می‌کنند؛ چنان‌که خداوند در آیه کریمه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (شعرا/ ۲۱۴) دستور می‌دهد خویشاوندان نزدیک را انذار کن و از شرک و مخالفت فرمان پروردگار بترسان؛ زیرا بدون شک برای دست زدن به یک برنامه انقلابی گسترده باید از حلقه‌های کوچک‌تر و فشرده‌تر شروع کرد و چه‌بهر این که پیامبر(ص) نخستین دعوت خود را از بستگانش شروع کند که هم سوابق پاکی او را بهتر از همه می‌شناسند و هم پیوند محبت خویشاوندی نزدیک ایجاب می‌کند که به سخنانش بیش از دیگران گوش فرا

دهند و از حسادت‌ها و کینه‌توزی‌ها و انتخاب موضع خصمانه، دورترند  
(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۳۶۶-۳۶۷).

### ۳-۲. احیای امر اهل بیت (ع)

در آموزه‌های دینی، بر اهمیت احیای امر اهل بیت (ع) و تعظیم شعائر دینی بسیار توصیه شده است؛ چنان‌که امام رضا (ع) فرمودند:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا. فَقُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا  
وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ (صدوق، ۱۳۷۸:  
۱ / ۳۰۷)

رحمت خدا بر آن بنده‌ای که امر ما را زنده گرداند. [راوی می‌گوید]: عرض  
کردم: چگونه امر شمارا زنده کند؟ فرمود: تعالیم ما را فراگیرد و آن‌ها را به  
مردم بیاموزد؛ زیرا اگر مردم زیبایی‌های سخن ما را بدانند، بی‌گمان از ما  
پیروی خواهند کرد.

براین اساس، زیارت اماکن متبرکه به‌ویژه ائمه معصومین (ع) و امامزاده‌ها  
از جمله مرقد حضرت رقیه (ع) و نیز نقل احادیث و بیان معارف و رساندن  
کلمات و علوم ائمه (ع) به مردم باعث احیای امر اهل بیت (ع) می‌شود. گفتنی  
است، احیای امر اهل بیت (ع) و تعظیم شعائر دینی و حسینی باعث هدایت و

نجات افراد می‌شود؛ بنابراین ذکر و یاد حضرت رقیه(ع)، زنده نگه‌داشتن  
واقعه کربلاست که در میان اسرای اهل‌بیت(ع) دختر کوچکی از  
سیدالشهدا(ع) بوده که در شام به لقاءالله نائل شد و این قبر نشانه و سندی  
بر مرور اسراری اهل‌بیت(ع) در شام است و باوجوداین قبر شریف، مخالفان  
نتوانستند این واقعه را انکار نمایند. لذا برگزاری مجالس عزاداری برای  
ائمه(ع) و اولادگرامی ایشان ازجمله حضرت رقیه(ع) باعث می‌شود دل  
عزاداران مؤمن در روزی که دل‌ها می‌میرند، زنده بماند (تبریزی، بی‌تا: ۱۲۴).  
امام رضا(ع) درجایی دیگر فرمود:

مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ (صدوق؛  
۱۳۷۶: ۷۳)

هر کس در مجلسی بنشیند که در آن یاد ما (اهل‌بیت) زنده می‌شود، قلبش  
در روزی که قلب‌ها می‌میرند، نمی‌میرد.

بنابراین زیارت و عزاداری حضرت رقیه موجب تعظیم شعائر دینی و احیای  
امر اهل‌بیت(ع) است و چنین افرادی مشمول دعای ائمه معصومین(ع)  
هستند؛ چنان‌که امام صادق(ع) به فضیل فرمود:

... فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فُضَيْلُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا. مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ  
فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذَّبَابِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ  
الْبَحْرِ؛ (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۶)

پس یاد ما را زنده کنید؛ که هرکس از ما یاد کند یا در حضور او از ما یاد  
شود و به اندازه پر مگسی اشک از دیدگانش بیرون آید خداوند گناهان او را  
بیامرزد، حتی اگر بیشتر از کف دریا باشد.

### ۳-۳. رسوا ساختن هیئت حاکمه

بنی‌امیه به حکومت و سلطنت خودرنگ دینی می‌دادند و به نام اسلام و  
جانشینی پیامبر(ص) در جامعه اسلامی حکومت می‌کردند و با شیوه‌های  
گونگون مانند جعل حدیث، جذب شعرا و محدثان و... جهت تثبیت موقعیت  
دینی خود در جامعه می‌کوشیدند (پیشوایی، ۱۳۷۹: ۲۱۴)؛ اما حضرت  
رقیه(ع) به خاطر سختی‌ها و عذاب‌هایی که در کربلا کشیده و نیز در ماجرای  
خرابه شام، نقاب از چهره واقعی دشمنان اسلام همچون یزید و عبیدالله بن  
زیاد برداشت و مردم را از خواب غفلت بیدار کرد و به همراه برادرش، امام  
سجاد(ع) و عمه بزرگوارش، حضرت زینب کبری(ع) توانستند مسلمانان را  
از فجایع زشت و عملکرد نامناسب یزید آگاه و آشنا نمایند. بهترین سند و

دلیل بر عملکرد حضرت رقیه(ع) در افشاگری ماهیت ظالمانه یزید، نحوه برخورد و رفتار یزید با حضرت رقیه(ع) بود؛ چنان‌که وقتی اسرا را در خرابه شام جای دادند، شبی حضرت رقیه(ع) خواب پدرش امام حسین(ع) را می‌بیند، همین‌که از خواب بیدار می‌شود شروع به گریه و زاری می‌کند، اهل حرم و اسرا نیز به یاد مظلومیت امام حسین(ع) افتاده و اندوهگین شدند و گریه می‌کردند. یزید صدای گریه و شیون آنان را شنید، گفت: چه خبر است؟ گفتند: دختر امام حسین(ع) پدرش را در خواب دیده و اکنون بیدار شده و بهانه پدر را گرفته و گریه می‌کند. یزید در اوج ظلم و قساوت دستور داد سربریده پدر را برای دختر سه‌ساله ببرند (نک: حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

### ۳-۴. حمایت از مظلومیت

یکی از جلوه‌های زیبای مکتب حسینی که توسط حضرت رقیه(ع) رقم خورد، حمایت از مظلوم است. حضرت رقیه(ع) با توجه به این که خردسال بودند، اما در واقعه عاشورا و نهضت حسینی به مقدار توان خود توانستند نقش آفرینی کنند و حمایت خویش را از مظلومیت و حقانیت امام حسین(ع) اعلام داشتند. این نقش و جلوه‌گری به تبعیت از آموزه‌های دینی است؛

چنان‌که یکی از سؤالات پژوهش این است که چرا باید از مظلوم و کشورهای مظلوم حمایت کرد؟ آیا این در آموزه‌های دینی وارد شده است؟ در پاسخ می‌توان گفت یکی از دستورات قرآنی، حمایت از مظلوم است. در اینجا به دو آیه شریفه استناد می‌کنیم:

۱. خداوند در آیه شریفه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوَا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) [۱] به صراحت در فراز (وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ) فرموده است: «هرگاه این گروه (مؤمنان غیر مهاجر) از شما به خاطر حفظ دین و آیینشان یاری بطلبند (یعنی تحت فشار شدید دشمنان قرار گیرند) بر شما لازم است که به یاری آن‌ها بشتابیدن (مکارم شیرازی؛ ۱۳۷۴: ۷/ ۲۵۷).

۲. آیه شریفه (مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) [۲] مسلمانان را به

جهاد و حمایت از مظلوم و مستضعف تشویق می‌کند؛ زیرا مسلمانان باید نسبت به هم غیرت و تعصب مکتبی داشته باشند و در برابر ناله‌ها و استغاثه‌ها بی‌تفاوت نباشند و از اهداف جهاد اسلامی، تلاش برای رهایی مستضعفان از سلطه ستمگران است. چنان‌که اسلام مرز نمی‌شناسد، هر جا که مستضعفی باشد، جهاد [و حمایت از مظلوم نیز] هست (قرائتی؛ ۱۳۸۳: ۲ / ۳۲۹).

در روایات نیز بر حمایت از مظلوم در برابر ظالم توصیه شده است. در اینجا به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق(ع) فرمودند:

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَنْصُرُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ إِلَّا وَنَصْرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۴۷-۱۴۸)

هیچ مؤمنی بر مؤمن ستم‌دیده‌ای یاری نرساند جز آن‌که این کار او برتر از دو ماه روزه و اعتکاف در مسجدالحرام باشد و هیچ مؤمنی نباشد که توان مدد و یاری‌رساندن به برادر مؤمنش را داشته باشد و بر او یاری رساند جز

آن که خداوند او را در دنیا و آخرت یاری کند و هیچ مؤمنی نباشد که توان یاری رساندن به برادر مؤمنش را داشته باشد و او را بدون یاری رها کند جز آن که خداوند او را در دنیا و آخرت [به حال خود] رها می کند.

۲. امام باقر(ع) در ذیل آیه شریفه (وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا) (نساء / ۷۵) می فرماید: «مقصود از مستضعفانی که در تحت حکومت ظالمانند، ما هستیم» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۵۷). بر این اساس، امام حسین(ع) مصداق آیه شریفه است.

بنابراین حضرت رقیه(ع) و سایر کودکان و اهل بیت(ع) نیز بر اساس آموزه های دینی، به نوعی با حضور در واقعه کربلا و تحمل اسارت و بیان حقائق کربلا و افشاگری به حمایت و دفاع از مظلوم پرداختند.

حضرت رقیه(ع) وقتی در خرابه شام سربریده پدر را دید، شروع به صحبت کرد و با سخنان حمایت گونه خود یزید را به خاطر شهادت امام حسین(ع) سرزنش نمود. حضرت رقیه(ع) در فرازهایی فرمود: «بابا! این زنان مصیبت زده را چه کسی حمایت خواهد کرد؟ بابا! این زن های غریب و اسیر به که پناه ببرند؟ بابا! چه کسی به این چشم های گریان ترحم می کند؟... بابا! کاش

قبل از این ناپینا شده بودم و تو را به این حال نمی دیدم. بابا! کاش مرده بودم و نمی دیدم که محاسن شریفیت از خون سرت رنگین شده!» (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

حضرت رقیه(ع) با این سخنان آتشین و جانگداز خویش، بر همگان ثابت نمود که پدر بزرگوارش غریبانه و مظلومانه به شهادت رسیده است. او که کودکی خردسال، اما تربیت شده مکتب حسینی بود، با زبانی رسا به افشاگری واقعه کربلا و حمایت از امام حسین(ع) پرداخت که نتیجه آن رسوایی یزید شد و همگان با مرور خاطرات کربلا و عاشورا، به عزاداری و گریه و زاری در خرابه شام پرداختند. او با شهادت خود در شام تا ابد این سؤالات را در اذهان عموم باقی گذاشت که با دیدن بارگاه آن حضرت از خود پرسند: گناه این کودک چه بود که غریبانه در اینجا جان داد؟ آیا کودک تحمل دیدن سربریده پدرش را داشت؟ چرا یزید و عبیدالله بن زیاد با فرزندان رسول خدا این گونه برخورد کردند؟

### ۳-۵. هدایت کننده و جذب قلوب

از دیگر ویژگی ها و جلوه های حضرت رقیه(ع) وسیله هدایت مردم و جذب قلوب مردم به اهل بیت(ع) است. این ویژگی از خصائص بزرگ اهل بیت(ع)

به شمار می‌رود؛ چنان‌که پیامبر اکرم(ص) در روایتی، امام حسین(ع) را چراغ هدایت و کشتی نجات معرفی کرد و فرمود:

إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهُدَىٰ وَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ. (بحرانی، ۱۴۱۳: ۵۲/۴)

کشتی نجات است، چون یکی از دو ثقلی است که پیامبر(ص) برای امت خود باقی گذاشت و فرمود:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ رَكْبِهَا نَجَاً وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زُخٌّ فِي النَّارِ؛ (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۶: ۵۷)

مثل اهل‌بیت من مانند کشتی نوح است؛ هر کس سوار آن شود نجات می‌یابد و هر کس از آن تخلف ورزد، داخل آتش جهنم می‌افتد.

بنابر روایت رسول خدا(ص) اهل‌بیت(ع) خصلت هدایتگری و جذب قلوب مردم را دارند. حضرت رقیه(ع) که علاقه شدیدی به امام حسین داشت و امام(ع) نیز او را بسیار دوست می‌داشت (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰) دارای این ویژگی و جلوه خاص است.

همچنین یکی دیگر از راه های هدایت و تسخیر قلوب مردم و کشاندن آنها به سوی اهل بیت (ع) تبیین و تبلیغ سخنان گهربار ائمه معصومین (ع) است. در اهمیت این موضوع، امام رضا (ع) در روایتی فرمود:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ (صدوق، ۱۳۷۸: ۱/ ۳۰۷)

رحمت الهی شامل حال آن کسان باد که امر ما را زنده می کنند. [راوی می گوید]: گفتم: چگونه امر شمارا زنده کنند؟ فرمود: علوم ما را فرامی گیرند، آن گاه به مردم می آموزند؛ زیرا اگر مردم تعالیم والای ما را دریابند، راه ما را در پیش گیرند.

### ۳-۶. روش های کاربردی تبلیغی

#### ۳-۶-۱. فرصت شناسی

یکی از اصول و روش هایی که در سیره حضرت رقیه (ع) وجود دارد، روش فرصت شناسی است. این روش، یکی از روش های کاربردی و موثر در امر

مقدس تبلیغ برای مبلغان به شمار می‌رود. لذا در تبلیغ، هدف عمده مبلّغ نفوذ و تأثیر گذاری بر افکار، عواطف، تمایلات و در نهایت تغییر در اندیشه و رفتار مخاطبان است. البته برای تأثیرگذاری بر افکار و رفتار مخاطبان، قبل از هر اقدامی باید آنان را شناخت و نسبت به شناسایی عناصر و اجزای تشکیل دهنده رفتار اقدام کرد.

از وظایف مبلّغ در یک عملیات تبلیغی، شناخت آرمان‌ها، حساسیت‌ها، ارزش‌ها، خصوصیات روانی، نقاط قوت، نقاط ضعف، موقعیت و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی و تفکرات مخاطبین است. مبلّغ با شناخت برخی مقدمات می‌تواند از فرصت‌ها و موقعیتی که در گذشته آن‌ها را شناخته و ارزیابی کرده، در جهت اهداف تبلیغی خود به کار بندد.

یکی از جلوه‌های زیبای تبلیغی حضرت رقیه(ع)، معرفی روش فرصت شناسی برای تبلیغ نهضت حسینی و پیام‌های عاشورا بود. حضرت رقیه(ع) به اقتضای سن شریف از این روش به نحو احسن استفاده نمود که اوج آن در ماجرای خرابه شام رخ داد. وقتی یزید ظالمانه دستور داد سر مبارک امام حسین(ع) را برای دختر خردسالش آورند، حضرت رقیه(ع) از این فرصت نهایت بهره را برد و به افشاگری چهره یزید و ظلم‌هایی که به اسرا وارد کرده بود، پرداخت و در این فرصت با طرح سؤال‌هایی از پدر و گفتن

سختی‌ها، مظلومیت امام حسین(ع) و ظلم‌هایی که به امام(ع) روا داشته بودند را بیان نمود و چهره ظالمانه و منفور یزید را برملا ساخت (نک: حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰). حتی حضرت رقیه(ع) با شهادت مظلومانه خود، این فرصت را برای حضرت زینب(ع) و اسرای شام مهیا ساخت تا آنان با سوگواری و عزاداری و گریه برای حضرت رقیه(ع)، بار دیگر حادثه کربلا زنده شد و به یاد امام حسین(ع) افتادند. همچنین یزید بعد از رسوا شدن، به اهل‌بیت(ع) اجازه داد برای امام حسین(ع) سوگواری کنند (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۷۷).

### ۳-۶-۲. همراهی

یکی دیگر از روش‌های مستفاد از سیره علمی و عملی حضرت رقیه(ع)، روش همراهی است. در این روش، کارشناسان تبلیغات، به ظاهر در بخشی از افکار و عقاید با مخاطبان خود همراه و همسو می‌گردند، به ناراحتی، شکایات و طرح موضوعات توسط آنان علاقه نشان می‌دهند و با اجرای برنامه‌های متنوع و تحریک زمینه‌های انفعالی ایشان در جلب توجه و جذب افکار عمومی می‌کوشند. مجریان پس از اقتدار و تسلط کافی، در فرصتی مناسب با گفتن نکات مهم و حساب شده به مخاطبان، آنان را به سوی اهداف

مورد نظر خود متمایل می‌کنند و افکار عقاید، احساسات و رفتارشان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

انعطاف پذیری، خویشتن داری و پرهیز از پرخاش، تسلیم احساسات نشدن، توان بهره برداری مناسب از فرصت های ایجاد شده از ارکان اصلی و اساسی این روش برای انتقال پیام و تأثیرگذاری عمیق بر گیرندگان و مخاطبین است (کریمی، ۱۳۸۵: ۷۲).

این روش به زیبایی در شام توسط حضرت رقیه(ع) خودنمایی کرد. حضرت رقیه(ع) با روش همراهی، به زیبایی مصیبت های امام حسین(ع) در کربلا و کاراون اسرا را به تصویر کشاند. حضرت رقیه(ع) وقتی در خرابه شام سر مبارک پدر را دید، با همراهی کردن خود با امام حسین(ع) حادثه تلخ کربلا و اسارات را برای همگان بازگو کرد و نقاب از چهره واقعی یزید برداشت.

حضرت رقیه(ع) با سؤالاتی که از پدر پرسید، همگان را متوجه خطای بزرگ و محاسباتی عاملان شهادت امام حسین(ع) کرد تا دیگران بدانند امام حسین(ع) و یاران شهیدش مظلومانه و غریبانه و ظالمانه به شهادت رسیده اند. سپس با سخنان معرفتی خود ضربه نهایی و رسواکننده را به یزید وارد ساخته و فرمود:

بابا! بعد از تو کسی را نداریم. وای از تنهایی و غریبی! بابا! کاش من فدایت شده بودم. بابا! کاش قبل از این نابینا شده بودم و تو را به این حال نمی دیدم. بابا! کاش مرده بودم و نمی دیدم که محاسن شریفی از خون سرت رنگین شده. (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰-۳۴۱)

حضرت رقیه(ع) در این روش، به وسیله همراهی با امام حسین(ع) ماهیت یزید را برملا ساخت و مصائب و یاد کربلا را زنده نگاه داشت.

#### ۴. جلوه‌های تربیتی

نهضت و قیام امام حسین(ع) پس از واقعه کربلا وارد مرحله حساس تاریخی شد و اهل بیت(ع) به اسارت برده شدند و از شهرهای کوفه و شام عبور کردند. اگر اسرا نقش خود را درست ایفا نمی‌کردند، نهضت امام حسین(ع) در تاریخ نابود می‌شد و مردم و آیندگان از اهداف و ماهیت نهضت حسینی آگاه نمی‌شدند؛ اما حضور پررنگ اسرا و اهل بیت(ع) به قیام حسینی، جانی تازه بخشید. یکی از زیبایی‌های کربلا و اسارت کاروان اهل بیت(ع) درخشندگی جلوه‌های تربیتی مکتب حسینی بود که هریک از اسرا بازیگر آن بودند. در این میان، حضرت رقیه(ع) با حضور خود در کربلا و شام نکات تربیتی را برای تاریخ به یادگار گذاشتند.

در این بخش درصدد آن هستیم به ابعاد تربیتی زندگانی حضرت رقیه(ع) اشاره کنیم.

#### ۴-۱. معرفت و شناخت

یکی از جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه(ع)، بُعد معرفتی ایشان است. این شناخت و معرفت، برگرفته از مکتب حسینی است. حضرت رقیه(ع) گرچه خردسال است، اما تربیت شده امام حسین(ع) است و معرفت و بینش عمیق دینی دارد.

در بخشی از زیارت نامه حضرت رقیه(ع) آمده است:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ الشَّهِيدِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتْهَا  
الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتْهَا الرِّضِيَّةُ  
الْمَرْضِيَّةُ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتْهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،  
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتْهَا الرِّزْكَیَّةُ الْفَاضِلَةُ، اَلسَّلَامُ  
عَلَیْكَ اَیَّتْهَا الْمَظْلُومَةُ الْبَهِيَّةُ؛ (تبریزی، بی تا: ۲۶)

سلام بر تو ای دختر حسین شهید. دعا نثارت ای که هستی راستگو و حاضر در دینت. سلام بر تو ای که از راحت راضی بودی و خدا از مسیرت خشنود.

در برابرت خاضع‌م‌ای پرهیزکار و پاکیزه‌تن و تحیت بر تو‌ای تزکیه‌شده برتر، تسلیم‌م‌مقام توام، ای که بودی در مظالم و با ارزشت همه را تحمل کرده افشا نمودی.

در این فرازاها، معرفت و شناخت حضرت رقیه(ع) در باب توحید و امام‌شناسی روشن است. ایشان با تعبیری، همچون صداقت در دین، خشنود بودن خدا از ایشان، حرکت در مسیر خداوند، پاکیزه، تسلیم در برابر خداوند، صبوری در راه دین و... توصیف شده است که بیانگر معرفت و شناخت حضرت رقیه(ع) در مدرسه و مکتب حسینی است.

فراز «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا الْمَظْلُومَةُ الْبَهِيَّةُ»، سند مظلومیت حضرت رقیه(ع) به شمار می‌آید که از آن می‌توان به مظلومیت و حقیقت امام حسین(ع) و مظلومیت اسرای اهل‌بیت(ع) پی برد.

فراز «الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا الصِّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ»، بیانگر آن است که حضرت رقیه(ع) در خانواده ارزشی و محیطی سالم، رشد و پرورش یافته است که فضایل اخلاقی مانند صداقت، پاکیزه، تقوا، فاضله و... را فراگرفته است.

فرازهای «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الزَّكِيَّةُ الْفَاضِلَةُ» دلیلی محکم بر معرفت و شناخت بالای حضرت رقیه(ع) است که به چنان مقام و مرتبه ای رسیده است که با وجود سن کم، به جایگاه شهید دست یافته که خداوند از او راضی است.

حضرت رقیه(ع) چنان به مقام «راضی به رضای الهی» و «تسلیم در برابر خداوند» رسیده است که وقتی در خرابه شام سر مبارک پدر را می بیند، از وضع خود گله و شکایت نمی کند، بلکه با سخنان و طرح پرسش هایی از پدر مانند «بابا! سرت را چه کسی به خون خضاب کرد؟ بابا! چه کسی رگ های گلوی تو را برید؟ و...» (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۶۰)، به تبیین و حقیقت واقعه کربلا می پردازد و قیام و نهضت حسینی را زنده نگاه می دارد. چنان که صالح بن حمید نقل می کند: بعضی از بزرگان می گویند، هنگامی که خیمه ها را آتش زدند و اهل بیت رو به فرار نهادند، دختری کوچک گوشه جامه اش آتش گرفته، سراسیمه می گریست و به اطراف می دوید و اشک می ریخت. مرا به حالت او رحم آمد. به نزد او تاختم تا آتش جامه اش را فروشانم. همین که صدای سم اسب من را شنید اضطرابش بیشتر شد. گفتم: ای دختر! قصد آزارت ندارم. به ناچار با ترس ایستاد. از اسب پیاده شدم و

آتش جامه اش را خاموش نمودم و او را دلداری دادم. فرمود: ای مرد! لب  
هایم از شدت عطش کبود شده، یک جرعه آب به من بده. از شنیدن کلام  
رقتی تمام به من دست داد و ظرفی پر از آب به او دادم. آب را گرفت و  
آهی کشید و آهسته رو به راه نهاد. پرسیدم: عزم کجا داری؟ فرمود: خواهر  
کوچک تری دارم که از من تشنه تر است. گفتم: نترس، زمان منع آب گذشت،  
شما بنوشید.

گفت: ای مرد! بابایم حسین(ع) تشنه بود، آیا آبش دادند یا نه؟!

گفتم: ای دختر! نه و الله تا دم آخر می فرمود: جرعه ای آب به من بدهید،  
ولی کسی او را آبش نداد، بلکه جوابش را هم ندادند.

وقتی که آن دختر این سخن را شنید، آب را نیاشامید (تبریزی؛ بی تا: ۲۷۶).

این روایت نشانگر معرفت دختر سه ساله به امام خویش است.

همچنین حضرت رقیه(ع) با طرح سؤال هایی مانند: «بابا! این زنان مصیبت  
زده را چه کسی حمایت خواهد کرد؟ بابا! این زن های غریب و اسیر به که  
پناه ببرند؟ بابا! چه کسی به این چشم های ترحم می کند؟ بابا! چه کسی از  
زن های غریب تفقد می کند؟ بابا! این زن های پریشان حال به چه کسی رو

کنند؟» (همو)، به مصیبت و رنج کاروان اسرا و وضعیت اسف ناک خرابه  
شام و اسارت اشاره می‌کند.

یا پرسش‌هایی مانند «بابا! کاش من فدایت شده بودم. بابا! کاش قبل از این  
نابینا شده بودم و تو را به این حال نمی‌دیدم. بابا! کاش مرده بودم و نمی  
دیدم که محاسن شریفیت از خون سرت رنگین شده.» (حائری مازندرانی:  
۳۴۰-۳۴۱)، اوج معرفت و شناخت حضرت رقیه(ع) را می‌رساند که دوست  
داشت به مقام شهید و جانبازی در راه امام حسین(ع) دست پیدا کند که البته  
با معرفت الهی خویش به آن دست یافت. حتی چنان معرفتی پیدا کرد که با  
شهادت خویش، بستری مناسب برای زنده نگه‌داشتن امام حسین(ع) و  
شهادت کربلا آماده کرد (نک: همو: ۳۴۱)

#### ۴-۲. صبر و استقامت

از دیگر جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه(ع)، صبر و استقامت است. این ویژگی  
برگرفته از آموزه‌های قرآنی و مکتب حسینی است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ: (فصلت / ۳۰)

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

از این رو در مکتب امام حسین (ع) و کاروان اسرا، یکی از معارف مهم حسینی و زیبایی‌های عاشورا، درس صبر و استقامت است. حوادث و صحنه‌های عاشورا از ابتدا تا پایان اسارت پر از لحظات مهم و سختی است که جز با پایداری، صبر و استقامت، نمی‌توان بر آن پیروز شد.

به طور مثال، زمانی که امام حسین (ع) در لحظات آخر عمر شریف خویش، حال ایشان به شدت دگرگون شد، صورت خود را به جانب آسمان بلند کرد و فرمود:

صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا رَبِّ سِوَاكَ، وَلَا مَعْبُودٌ غَيْرُكَ، صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَهُ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى: (مقرم، ۱۳۸۶: ۲۷۵)

خدایا بر حکم تو صبر می کنم. هیچ معبودی جز تو نیست ای فریادرس  
بیچارگان. بر حکم تو شکیبایی می ورزم ای فریادرس کسی که فریادرس  
ندارد!

ای همیشه زوال ناپذیر! ای زنده کننده مرده ها!

صبر و استقامت یکی از آموزه‌های مکتب حسینی است که در حضرت  
رقیه (ع) و شهدای کربلا و کاروان اسرا متبلور گشت؛ چنان که امام حسین (ع)  
به یاران شهیدش فرمود:

صبرا بنی الکرام! فما الموتُ إلا قنطرةٌ تعبرُ بکم عن البؤسِ و الضراءِ إلى  
الجنانِ الواسعةِ و النعيمِ الدائمةِ، فأیُّکم یکره  
أن ینتقلَ من سجنٍ إلى قصرٍ؟! (صدوق، ۱۴۰۳ / ۲۸۹؛  
مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۵۴)

صبور باشید، ای بزرگ زادگان؛ زیرا مرگ جز پلی که شمارا از رنج و بدبختی  
به سوی بهشت های پر گستره و نعمت جاویدان عبور می دهد، نیست. کدام  
یک از شما خوش ندارد که از زندانی به قصری برده شود؟!!

حضرت رقیه(ع) نیز تربیت یافته مکتب حسینی است که با وجود سن کم توانست با صبر و استقامت صحنه های مصیبت بار کربلا و لحظات سخت اسارت و رنج های شام را تحمل کند. البته صبر و استقامت، به

معنای پشتکار، تلاش و ایستادگی در مقابل مشکلات و سختی هاست.

در فرازی از زیارتنامه حضرت رقیه(ع) آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْبَهِيَّةُ؛

سلام بر تو، ای که در مظالم بودی و با ارزشت همه را تحمل کرده افشا نمودی.

از این فراز مشخص می شود حضرت رقیه(ع) با رمز صبر و استقامت توانست مصائب و مشکلات و رنج واقعه تلخ و اسارت را تحمل کند. البته برای درک بهتر موضوع لازم است فضای سخت خرابه شام ترسیم گردد. به طور مثال، شیخ صدوق می نویسد:

إِنَّ يَزِيدَ لَعَنَهُ اللَّهُ أَمْرَ بِنَسَاءِ الْحُسَيْنِ (ع) فَحُبِسْنَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) فِي مَحْبَسٍ لَا يَكُونُ مِنْ حَرٍّ وَلَا قَرٍّ حَتَّى تَقَشَّرَتْ وُجُوهُهُمْ؛ (صدوق، ۱۳۷۶:

(۱۶۷-۱۶۸)

یزید دستور داد اهل بیت امام حسین(ع) را به همراه امام سجاد(ع) در خرابه ای زندانی کنند. آن‌ها در آنجا نه از گرما در امان بودند و نه از سرما؛ به گونه ای که بر اثر نامناسب بودن آن محل و گرما و سرمای هوا، صورت های شان پوست انداخته بود.

حتی گفته شده است، آنجا خانه خرابه ای بوده، به طوری که بیم آن می رفت سقف آن بر سرشان خراب شود (تبریزی، بی تا: ۲۹۴).

با توجه به این روایت، زندگی در آن شرایط سخت روشن می‌گردد. تنها با صبر و استقامت می‌توان در برابر این آزمایش و صحنه های سخت و مصیبت سربلند و پیروز خارج شد.

### ۳-۴. پایبندی به اصول

یکی دیگر از جلوه‌های زیبای تربیتی کربلا و حضرت رقیه(ع) در مدرسه و مکتب حسینی، پایبندی به اصول است؛ یعنی تحت هر شرایطی نسبت به ارزش های خوب اخلاقی و اصول دینی باید پایبند بود و دست از ارزش ها نکشید. حضرت رقیه(ع) با وجود شهادت امام حسین(ع)، برداران، بنی هاشم و مصیبت عطش و تحمل اسارت در کوفه و شام، اما همانند برادر بزرگوارش امام سجاد(ع) و عمه بزرگوار، حضرت زینب کبری(ع)، هرگز

از اصول اخلاقی و دینی دست نکشید حتی دست نیاز به سوی دشمن دراز نکرد و با عزت حسینی و عفت زینبی، پایبند بودن به ارزش های اخلاقی و اصول دینی را به همگان آموخت.

مدرسه و مکتب حسینی مملو از درس ها و عبرت ها، از جمله پایبندی به اصول است. از جمله این که:

۱. امام حسین(ع) در روز عاشورا، در میدان جنگ تا متوجه وقت شرعی نماز ظهر می شود، از ادامه جنگ دست می کشد و به اقامه نماز می ایستد، درحالی که دشمن مانع نماز خواندن امام(ع) می شد؛ اما عمر بن ابی قرطه انصاری با سپر قرار دادن خود، در راه اقامه نماز به شهادت رسید. او با همه وجود تیرها را به جان می خرید و فداکاری می کرد و اجازه نمی داد دشمن، سالارش حسین(ع) را هدف گیرد و همچنان دلیرانه پیکار کرد تا پیکرش از زخم ها پوشیده شد و غرق در خون گردید. او از امام حسین(ع) پرسید: «أوفیت؟ آیا رسم وفاداری را بجا آوردم؟». امام(ع) فرمود: «نعم، أنت امامی فی الجنة، فأقرئ رسول الله(ص) السلام و اعلمه أننی فی الاثر؛ آری، نیکو فداکاری کردی. تو پیش از من به بهشت پرتراوت و زیبا می رسی؛ پس سلام مرا به پیامبر خدا برسان

و به آن حضرت بگو که من نیز به زودی خواهم آمد» و آن گاه جان را در بستر شهادت، به جان آفرین تسلیم کرد (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

۲. از فاطمه صغرا(ع) روایت شده است که فرمود: در جلوی خیمه ایستاده بودم و به کشته ها نظاره می کردم و در این اندیشه بودم که حال بر سر ما چه خواهد آمد؟ ناگاه متوجه شدم که مردی سوار بر اسب، زنان را با نیزه اش تعقیب می کند و زنان درحالی که لباس ها و زینت هایشان به غارت رفته به یکدیگر پناه می برند و فریاد بر می آورند:

وَاجِدَاهُ وَابْنَاهُ، وَاعْلِيَّاهُ، وَاقْلَّةَ ناصِرَاهُ وَاحْسَنَاهُ، أَمَا مِنْ مُجِيرِ  
يُجِيرُنَا، أَمَا مِنْ زَائِدٍ يَدُودٌ عَنَّا.

تا آن که آن مرد متوجه من شد و با نیزه به سویم حمله کرد. من به صورت بر زمین افتادم، گوش هایم را درید و گوشواره از گوشم خارج کرد و مقنعه از سرم ربود. خون از گوش ها بر گونه هایم جاری بود. با سر برهنه بی هوش بر زمین افتادم، چون به هوش آمدم، دیدم عمه ام در کنارم نشسته، گریه می کند.

گفتم: «یا عَمَّتَاهُ! هَلْ مِنْ خِرْقَةٍ أُسْتَرُ بِهَا رَأْسِي؛ عَمَّةُ جَانِمِ! أَيَا پارچه ای هست که سرم را با آن بپوشانم؟» عمه ام فرمود: «یا بِنْتَاهُ! وَ عَمَّتْكَ مَثْلُک؛ دخترم! عمه ات نیز مانند تو است.»

نگاه کردم، دیدم عمه ام نیز سربرهنه است و تمام بدنش بر اثر ضربات دشمن سیاه شده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۶۰؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۱ / ۲۳۳؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۷ / ۳۰۵).

به رغم این مصیبت عظیم، اهل حرم همواره سعی می‌کردند در هر شرایطی به اصول دینی و ارزش های اخلاقی پایبند باشند، درحالی که در آن لحظات سخت، دختر امام حسین (ع) به عمه اش فرمود: «یا عَمَّتَاهُ! هَلْ مِنْ خِرْقَةٍ أُسْتَرُ بِهَا رَأْسِي؛ عَمَّةُ جَانِمِ! أَيَا پارچه ای هست که سرم را با آن بپوشانم؟» این بزرگ‌ترین درسی است که اهل بیت (ع) می‌توانند به زنان و دختران مسلمان بدهند که حفظ عفاف و حجاب یک دستور قرآنی (نک: نور / ۳۱؛ احزاب / ۵۹) و دینی است که در سیره اهل بیت (ع) به آن توصیه اکید شده است و نباید به بهانه های واهی و پوچ از آن دست کشید.

۳. حضرت زینب(ع) وقتی به همراه کاروان اسرا وارد شام شدند و به کاخ یزید آمدند، در اولین خطبه ای که در مقابل یزید ملعون خواند، این گونه فرمود:

أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ وَ سَوْفَكَ بَنَاتِ رَسُولِ  
اللَّهِ

سَبَايَا قَدْ هَتَكَتَ سَتُورَهُنَّ وَ أَبْدَيْتَ وَجُوهَهُنَّ؟ (نک: ابن نما حلی، ۱۳۸۰:

۳۷؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۳۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵ / ۱۳۴)

ای پسر آزاد شدگان! آیا از عدالت توست که زنان و کنیزان خود را پشت پرده جای دهی و دختران پیامبر خدا(ص) را به اسیری ببری و سوق دهی؟ تو چادرهای ایشان را برداشتی و صورت های آنان را باز نمودی.

در این فراز از خطبه، حضرت زینب کبری(ع) به اهمیت مسائل شرعی در زمینه رعایت عفاف و حجاب حتی در آن لحظات سخت تأکید می کند.

۴. بانوان حرم امام حسین(ع)، حضرت زینب، حضرت ام کلثوم، حضرت سکینه و حضرت رقیه(ع) در بین آن اسیران، در خرابه بی سایبان شام بودند تا آن که پوست صورت های شان ترک برداشت. آن ها در تمام طول روز و

شب مشغول عزاداری و گریه بر امام حسین (ع) و دیگر شهیدان بودند (نک: مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۲۲؛ تبریزی، بی تا: ۲۷۶).

بنابراین یکی از جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه (ع) و مدرسه حسینی، پایبندی به اصول بود که این ارزش در سایه استقامت و ولایت‌مداری محقق می‌شود؛ چنان‌که از امام رضا (ع) از تفسیر استقامت در آیه شریفه (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا) (فصلت / ۳۰) پرسیدند. امام (ع) فرمود: «هی و الله ما أنتم علیه؛ استقامت همان روش ولایتی است که شما دارید» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۵۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۴ / ۷۸۹). از این رو پذیرش رهبری ائمه اهل بیت (ع) ضامن بقای خط توحید و روش اصیل اسلام و ادامه عمل صالح است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۲۷۱).

#### ۴-۴. گذشت و ایثار

درس گذشت و ایثار یکی از جلوه‌های زیبای تربیتی حضرت رقیه (ع) بود؛ درسی که این کودک بامعرفت امام حسین (ع) بر همگان آموخت. ایشان در خرابه شام وقتی پذیرای پدرش شد و شروع با سخن کرد، از مشکلات و سختی‌ها خود کلامی به میان نیاورد؛ بلکه مشکلات و سختی‌ها و مصائب کاروان اسرا گفت تا ماهیت قیام کربلا زنده بماند. ایشان از خود گذشت تا

به خدا برسد و در جوار امام حسین(ع) آرام بگیرد و از رنج و مصیبت‌ها رهایی یابد.

درس گذشت و ایثار را باید از عباس(ع)، علمدار امام حسین(ع) آموخت؛ آن هنگام که شمر، برای عباس(ع) و برادرانش امان نامه آورد، با ایثار و گذشت، جان برادر را بر خود مقدم داشت و حاضر به ترک امام حسین(ع) نشد (نک: مقرر، ۱۳۸۶: ۲۰۸-۲۰۹)؛ یا وقتی با لب تشنه به آب رسید، اما به یاد تشنگی برادرش امام حسین(ع) و اهل بیت(ع) افتاد؛ آب را ریخت و مشک را پر از آب کرد و به دوش راست انداخت و روبه خیمه‌ها کرد. راه را بر او بستند (قمی، ۱۳۷۹: ۴۲۴) و او را ناجوانمردانه به شهادت رساندند، درحالی‌که عطشان بود، اما ایثار و گذشت اجازه سیراب شدن را به او نداد.

درس گذشت و ایثار را باید از کودکان مظلوم و غریب و عطشان امام حسین(ع) فراگرفت. عصر عاشورا، دو طفل صغیر از اهل بیت(ع) از ترس و وحشت و عطش بی حد جان دادند. زینب(ع) در شب یازدهم به جمع آوری دختران و کودکان اهل بیت(ع) پرداخت؛ دید دو نفر از کودکان برادرش نیستند. پس از آن‌که برای پیدا کردن آن‌ها به جست‌وجو پرداخت، دید هر دو دست به گردن یکدیگر انداخته و خوابیده‌اند. همین‌که خواست آنان را بیدار کند، دید از شدت عطش از دنیا رفته‌اند.

وقتی مأموران از این جریان آگاهی یافتند، خبر را به ابن سعد گزارش دادند. او اجازه داد برای کودکان آب بیاورند. وقتی برایشان آب آوردند، تمام آنان روی از آب برگرداندند و گفتند: «کیف نشرب و قد قتل ابن رسول الله عطشاناً؛ چگونه آب بیاشامیم با این که فرزند رسول خدا(ص) را با لب تشنه شهید کردند؟» (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

#### ۴-۵. سبک زندگی اسلامی

یکی از جلوه‌های مهم تربیتی حضرت رقیه(ع) توجه به سبک زندگی اسلامی است. با نگاهی گذرا به سیره و تاریخ زندگانی حضرت رقیه(ع) می‌توان چند نکته تربیتی درباره سبک زندگی اسلامی برداشت کرد که برای همگان قابل استفاده است. از این رو ائمه معصومین(ع) یک الگوی خوب و ارزشی در زمینه سبک زندگی اسلامی هستند.

اما به برخی از جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه(ع) در سبک زندگی اسلامی اشاره می‌گردد:

#### ۴-۵-۱. ازدواج

حضرت رقیه(ع) از والدینی خوب متولد شد و در خانواده ای اسلامی و مدرسه حسینی رشد پیدا کرد و جاودانه شد؛ بنابراین اولین نکته تربیتی در

سبک زندگی اسلامی، توجه به امر مقدس ازدواج و تشکیل خانواده با ملاک و معیار آموزه‌های دینی است. اگر ازدواج افراد بر اساس معیار درست نباشد، نمی‌توان به طور قاطع در تربیت خانواده و فرزندان موفق بود؛ زیرا چارچوب تربیت از بنیان، خراب و اشتباه است.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که ملاک و معیار ازدواج در اسلام چیست؟ در پاسخ می‌توان اظهار داشت، قرآن کریم و روایات به این موضوع اشاره نموده و ملاک‌هایی از جمله ایمان و دین داری (نک: بقره/ ۲۲۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/ ۵۹۳)، اخلاق (نک: نساء/ ۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/ ۷۶)، هم کفو بودن (نک: نور/ ۲۶؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/ ۶۳۱)، شرافت و اصالت خانوادگی (نک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰/ ۵۹۲)، عقل (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰/ ۶۵۰) برشمرده‌اند. البته به برخی دیگر از ملاک‌ها و معیارها، مانند جمال و زیبایی، سواد و دانش، مال و ثروت، تناسب در سن، سلامت جسم و سلامت از آلودگی و اعتیاد نیز باید توجه کرد.

بنابراین مرحله و گام اول در سبک زندگی اسلامی ازدواج و تشکیل خانواده بر اساس مدل‌ها و الگوهای آموزه‌های دینی است. در این صورت خانواده ای موفق تشکیل خواهند یافت.

## ۴-۵-۲. انتخاب نام نیک

از جمله سنت های حسنه در سبک زندگی اسلامی، انتخاب نام نیک و شایسته است. امام حسین(ع) نام رقيه را برای فرزندش انتخاب می کند، گرچه برخی قائلند نام اصلی رقيه، فاطمه بوده و رقيه لقب ایشان بوده است؛ زیرا نام رقيه در شمار دختران امام حسین(ع) کمتر به چشم می خورد و به اذعان برخی منابع، احتمال این که ایشان همان فاطمه بنت الحسین(ع) باشد، وجود دارد (نظری منفرد، ۱۳۷۹ / ۵۱۸). البته بعضی از فرزندان امام حسین(ع) دو اسم داشته اند و امکان تشابه اسمی نیز در فرزندان ایشان وجود دارد؛ چنان که نقل شده است:

در میان کودکان امام حسین(ع) دختر کوچکی به نام فاطمه بود و چون امام حسین(ع) مادر بزرگوارش را بسیار دوست می داشت، هر فرزند دختری که خدا به ایشان می داد، نامش را فاطمه می گذاشت؛ همان گونه که هرچه پسر داشت، به احترام پدرش امام علی(ع) او را علی می نامید. گفتنی است سیره دیگر امامان نیز در نام گذاری فرزندانشان چنین بوده است. (تبریزی، بی تا:

بنابراین آنچه در سیره ائمه معصومین (ع) و نام زیبای حضرت رقیه (ع) وجود دارد، آن است که یکی از وظایف تربیتی والدین، انتخاب نام نیک و شایسته برای فرزندان است:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ؛ (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۷۲۵، ح ۳۹۹)

حق فرزند بر پدر، آن که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند و او را قرآن بیاموزد.

انتخاب نام خوب در شکل گیری شخصیت او در بزرگسالی، می تواند نقش داشته باشد؛ اما الفاظ و اسامی نیکو به تنهایی نمی توانند آدمی را به سعادت برساند، بلکه مقصود از روایات این است که نام های نیکو زمینه روانی و تلقینات روحی و اجتماعی مثبتی فراهم می کنند که اگر شخص صاحب نام در افق آن قرار گیرد و به اخلاق والای پیامبر اکرم (ص) و سیره اهل بیت (ع) آراسته گردد، به حقیقت پیوسته و راه بهشت را به روی شخص می گشاید (مروجی طبسی، ۱۳۸۸ / ۳۹).

۴-۵-۳. تربیت فرزند

یکی از مولفه های مهم در سبک زندگی، توجه به تربیت فرزند است. این موضوع با توجه به جلوه های تربیتی حضرت رقیه (ع) از دو جنبه قابل بررسی است:

### الف) اهمیت تربیت فرزند

حضرت رقیه (ع) در خانواده ای پرورش یافت که والدین به کسب فضایل اخلاقی و رشد معنوی یعنی تربیت فرزند توجه داشته اند. لذا آن حضرت (ع) در سایه تربیت دینی به مقام و مرتبه معنوی و معرفت بالا دست پیدا کرد و یکی از بهترین الگوها در امر تربیت فرزند است.

در آموزه های دینی به تربیت فرزند بسیار اهمیت داده شده است؛ زیرا تشکیل خانواده، فقط به فرزندآوری نیست، بلکه والدین در امر تربیت فرزند مسئول هستند؛ چرا که فرزند با تربیت صحیح و درست، راه سعادت و نجات را پیدا کرده و از انحرافات اخلاقی محفوظ می ماند. همچنین نتیجه و ثمره تربیت فرزند به والدین برمی گردد. در روایات نیز یکی از مصادیق باقیات صالحات، فرزند صالح است؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمودند:

إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ عِلْمٍ يَنْتَفَعُ بِهِ أَوْ صَدَقَةٍ تَجْرِي لَهُ أَوْ  
وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ؛ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱ / ۱)

هرگاه انسان بمیرد، عملش هم قطع می‌شود، مگر از سه راه: صدقه جاریه، یا عملی که از آن سود می‌برند، یا فرزند شایسته‌ای که برای او دعا می‌کند. بنابراین حضرت رقیه(ع) فرزندی صالح و تربیت شده از خانواده و پدری صالح بوده است.

### ب) لزوم تربیت فرزند از کودکی

یکی از نکات درس آموز تربیتی حضرت رقیه(ع) آن است که ایشان در سنین کودکی تربیت یافته مدرسه حسینی است. از این رو والدین باید به امر مقدس تربیت فرزند از سنین کودکی توجه داشته باشند؛ زیرا شخصیت و رفتار فرزند، از همان سنین کودکی شکل می‌گیرد. بدین جهت لازم است نکات تربیتی به تدریج از همان سنین پایین به کودک آموزش داده شود.

در آموزه‌های دینی نیز به این نکته تربیتی توجه شده است. به طور مثال، حضرت علی(ع) در نامه خویش به امام حسن(ع) می‌فرماید:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُوْا قَلْبَكَ وَ يَسْتَعْلِلُوكَ؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ / ۷۰)

قلب کودک همانند زمینِ کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و اندیشه ات به چیز دیگری مشغول گردد.

دلیل این مطلب آن است، تعلیماتی که در کودکی (و جوانی) داده می شود همچون نقشی است که بر سنگ بزنند؛ نقشی ثابت، عمیق و پایدار؛ اما در مقابل، فراگیری در بزرگسالی همچون نقشی است که بر آب زنند، (نقشی گذرا و ناپایدار. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۶ / ۶۷).

#### ۴-۵-۴. محبت به فرزند

یکی دیگر از جلوه های تربیتی حضرت رقیه (ع) و تاریخ زندگانی ایشان در سبک زندگی اسلامی آن است که والدین باید نسبت به فرزند محبت کنند و به عاطفه کودکان توجه کنند؛ چنان که در روایات آمده است امام حسین (ع) دارای دخترکی خردسال [به نام رقیه] بود که او را بسیار دوست می داشت. او نیز علاقه شدیدی به پدر داشت (حائری مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰).

در سبک زندگی اسلامی و در آموزه های دینی، اظهار محبت و علاقه به فرزند می تواند در رشد اخلاقی و تربیتی فرزند مؤثر باشد. پیامبر اکرم (ص) در اهمیت محبت به فرزندان فرمود:

أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا، فَمُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ إِلَّا  
أَنْكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱ / ۴۴۹)

به بچه ها محبت کنید و بر آنان ترحم نمایید و هرگاه به آنان وعده ای دادید،  
بدان وفا کنید؛ چون اینان شمارا روزی رسان خویش می دانند.

در بحث محبت به فرزند روایات بسیاری وجود دارد - که یک مورد آن  
گذشت - که بیانگر اهمیت موضوع است؛ اما در این بحث سه نکته مهم  
وجود دارد:

### الف) نتیجه معنوی محبت

در روایات اسلامی بر ضرورت محبت به فرزندان توصیه شده است که این  
در رشد تربیتی، خودباوری و شکل گیری فرزند نقش مهمی دارد؛ اما از  
سوی دیگر خداوند پاداش محبت به فرزند را ضایع نمی سازد.

امام صادق(ع) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشَدَّ قَبْلَهُ لَوْلَدِهِ؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱ / ۴۴۹؛ حر عاملی،  
۱۴۰۹: ۲۱ / ۴۸۳)

همانا پروردگار بنده اش را به دلیل زیادی مهرورزی نسبت به کودک خود می‌بخشاید.

در روایتی نبوی آمده است:

مَنْ قَبَّلَ وَكَلَّمَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۳ / ۱۳۸۷)

هر کس فرزند خود را ببوسد خدا بر او پاداشی می‌نویسد و هر کس فرزندش را خوشحال کند، خدا او را در روز رستاخیز شاد می‌گرداند.

### ب) توجه بیشتر به دختر

امام حسین (ع) دختر خود حضرت رقیه (ع) را بسیار دوست می‌داشت (حائری)

مازندرانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰). این توجه و محبت بیشتر به فرزند دختر، یک ارزش معنوی برای دختران به شمار می‌آید. اگرچه اسلام میان فرزند دختر و پسر فرقی قائل نیست، اما در دوره جاهلیت یک تفکر غلط و نابجا نسبت به فرزند دختر وجود داشت. از این رو خداوند در قرآن کریم این تفکر را مذمت نموده است (نک: نحل / ۵۸ - ۵۹). البته تحقیر و در هم شکستن شخصیت

زن، تنها در میان عرب جاهلی نبود، بلکه در میان اقوام دیگر و حتی شاید متمدن ترین ملل آن زمان نیز، زن شخصیتی ناچیز داشت و غالباً با او به صورت یک کالا و نه یک انسان رفتار می شد، ولی مسلماً عرب جاهلی این تحقیر را در آشکال زنده تر و وحشتناک تری انجام می داد. ولی اسلام ظهور کرد و با این خرافه در ابعاد مختلفش سرسختانه جنگید، مخصوصاً تولد دختر را که ننگ می دانستند در احادیث اسلامی به عنوان گشوده شدن ناودانی از رحمت خدا به خانواده معرفی کرد. خود پیامبر(ص) آن قدر به دخترش فاطمه(ع) احترام می گذاشت که مردم تعجب می کردند. آن حضرت با تمام مقامی که داشت، دست دخترش را می بوسید و به هنگام بازگشت از سفر، با نخستین کسی که دیدار می کرد، دخترش فاطمه(ع) بود. به عکس، هنگامی که می خواست به سفر برود، به آخرین خانه ای که برای خداحافظی می رفت، خانه فاطمه(ع) بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۲۷۴ - ۲۷۵).

پیامبر اکرم(ص) نیز در روایتی، برای دختران صفات خوب و نیک را برمی شمرد که برای دختر یک ارزش است:

نِعَمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطِّفَاتٌ، مُجَهِّزَاتٌ، مُوَسِّاتٌ، مُبَارَكَاتٌ، مُفْلِحَاتٌ؛ (کلینی،

دختران، چه فرزندان خوبی هستند؛ مهربان، با جهاز، اهل انس و الفت، با برکت و با نظافت اند.

از این رو در آموزه‌های دینی، روایات بسیاری در اهمیت و ارزش دختر در اسلام وارد شده است که در این نوشتار نمی‌گنجد؛ اما هدف امام حسین(ع) و سبک زندگی اسلامی، آن است که دختر در اسلام ارزش و جایگاه خوب و والایی دارد.

### ج) رعایت حدود محبت

اسلام در اهمیت محبت به فرزند بسیار سخن گفته است؛ اما نباید در آن افراط و تفریط داشت، بلکه باید اعتدال داشت و از محبت کردن، تشویق و تنبیه درست استفاده کرد؛ زیرا محبت، تشویق و تنبیه، ابزارهای لازم برای تربیت فرزندان به شمار می‌آیند. از این رو اگر از این ابزار درست استفاده نشود، تربیت فرزند اصولی نخواهد بود. در روایات نیز بیان شده است که دوست داشتن خانواده و محبت به آنان باید حد و اندازه داشته باشد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:

يَابْنَ مَسْعُودٍ! إِيَّاكَ أَنْ تَدَعَ طَاعَةَ اللَّهِ وَتَقْصِدَ مَعْصِيَتَهُ شَفَقَةً عَلَى أَهْلِكَ، لَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَأَ

يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا (لقمان: ۳۳)؛  
(محمدی ری شهری، ۱۳۹۱: ۳ / ۴۳۵)

ای پسر مسعود! مبدا دلسوزی برای خانواده ات، باعث شود که طاعت خدا را وا نهی و نافرمانی اش را در پیش گیری؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «ای مردم! از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که هیچ پدری، به کار فرزندش نمی آید و هیچ فرزندی نیز به کار پدرش نخواهد آمد.

البته باید توجه داشت که افراط در محبت خانوادگی، به گونه ای که موجب غفلت از خداوند متعال و ارزش های اسلامی و انسانی شود، به شدت نکوهیده است. از این رو قلمرو دوستی و اظهار محبت نسبت به خانواده، محدود به مقررات اسلامی است.

امام باقر(ع) نیز فرمود:

شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبِرُّ إِلَى الْإِفْرَاطِ وَ شَرُّ الْأَبْنَاءِ مَنْ دَعَاهُ التَّقْصِيرُ إِلَى الْعُقُوقِ؛  
(همو)

بدترین پدران کسی است که [در نیکی از حد اعتدال خارج شود و] به زیاده

روی بگراید و بدترین فرزندان فرزندی است که در اثر کوتاهی پدر و مادر [در انجام وظیفه، کاری کند که] به عاق والدین دچار شود.

بنابراین در اسلام درباره محبت کردن به زن و فرزند، توصیه و تأکید نموده است، اما نباید از حدود و اعتدال خارج شود.

#### ۴-۵-۵. محیط زندگی

از دیگر جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه (ع) در سبک زندگی آن است که محیط، اطرافیان و دوستان در تربیت افراد رابطه مستقیم دارند؛ چنان‌که حضرت رقیه (ع) در محیطی تربیت و پرورش یافته است که امام حسین، امام سجاد، حضرت زینب، حضرت ام‌کلثوم، حضرت عباس، حضرت علی اکبر، حضرت امام محمدباقر (ع) و... وجود داشته اند؛ بنابراین والدین نسبت به محیط کودکان و هم بازی آنان نباید بی‌تفاوت باشند.

بنابر نص صریح قرآن، محیط زندگی (شامل دوست و...) در تربیت و هدایت و شکل‌گیری شخصیت افراد رابطه دارد (نک: فرقان: ۲۷ - ۲۹). این تأثیرپذیری تا آن حد است که حضرت علی (ع) می‌فرماید:

فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرَهُ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خَلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ مِنْ دِينِ اللَّهِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۷/۷۱)

هرگاه وضع کسی بر شما مشتبه شد و دین او را نشناختید به دوستانش نظر کنید؛ اگر اهل دین و آیین خدا باشند او نیز پیرو آیین خداست و اگر بر آیین خدا نباشند او نیز بهره ای از آیین حق ندارد.

بنابراین باتوجه به سیره زندگانی حضرت رقیه (ع) و آیه شریفه و روایاتی که در این باب وجود دارد، روشن می شود که بدون شک، عامل سازنده شخصیت انسان - بعد از اراده و خواست و تصمیم او - امور مختلفی است که از اهم آنها همنشین و دوست و معاشر است؛ چرا که انسان خواه و ناخواه تأثیر پذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش می گیرد. این حقیقت هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهدات حسی به ثبوت رسیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۷۲-۷۳). همچنین والدین به طور درست و شایسته بر رفتار فرزندان به ویژه درباره دوستانشان نظارت داشته باشند، حتی در روایتی از امام حسن (ع) [خطاب به فرزندش] وارد شده است که بدون تحقیق فردی برای دوستی انتخاب نکنیم:

يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاحِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَبْتُ َ  
الْخَبْرَةَ وَ رَضِيَتِ الْعَشْرَةَ فَآخِهِ عَلَى إِقَالَةِ  
الْعَثْرَةِ وَ الْمَوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ؛ (ابن شعبه حرانی،

۱۴۰۴: ۲۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۱۰۵)

فرزندم! پیش از آن‌که از چگونگی ورود و خروج کسی در کارها آگاه شوی،  
دست برادری به او مده. پس هرگاه کسی را آزمودی و آمیزش با او را  
پسندیدی، با او دست برادری بده، بدان شرط که لغزش‌های یکدیگر را  
نادیده‌گیرید و به هنگام تنگدستی چیزی از یکدیگر دریغ نداشته باشید.

#### نتیجه

این مقاله با طرح سؤال «جلوه‌های تبلیغی و تربیتی حضرت رقیه (ع) در  
مکتب حسینی چیست؟» به دنبال تبیین جلوه‌هایی تبلیغی و تربیتی آن  
حضرت (ع) برآمد و به این موضوع به صورت روشی و هدفمند پرداخت تا  
برای محققان، طلاب و دانشجویان و مبلغان دینی قابل استفاده باشد.

در این پژوهش تلاش شد به سؤالات مهمی همچون «چرا امام حسین (ع)  
خانواده خود را به کربلا برد؟»، «چرا باید به حمایت از مظلوم پرداخت؟» و  
«ملاک و معیار ازدواج در اسلام چیست؟» پاسخ داده شود.

یکی از مَحسنات پژوهش آن بود که به اسناد قرآنی و روایی حمایت از مظلوم اشاره گردید و فلسفه حمایت از مظلومان عالم تبیین شد.

در جلوه‌های تربیتی حضرت رقیه(ع)، یکی از موضوعات مهم تربیتی - اجتماعی، بحث سبک زندگی اسلامی است که در آن به مؤلفه‌هایی همچون ازدواج و تشکیل خانواده، تربیت فرزند، محبت به فرزند و... پرداخته شد و به نقش محیط زندگی و دوستان در تربیت و انحراف افراد و فرزندان اشاره گردید.

البته سعی شد به طور کلی و فهرست وار به ملاک‌ها و معیارها ازدواج در آموزه‌های دینی، مانند ایمان و دینداری، اخلاق نیکو، هم‌کفو بودن، شرافت و اصالت خانوادگی، عقل، جمال و زیبایی، سواد و دانش، مال و ثروت، تناسب در سن، سلامت جسم و سلامت از آلودگی و اعتیاد اشاره شود. در این صورت خانواده‌ای موفق شکل خواهد گرفت.

یکی از نکات مهم تربیتی حضرت رقیه(ع) آن است که باید به تربیت فرزند از سنین کودکی توجه کرد. البته نباید از اعتدال خارج شد و به سمت افراط و تفریط رفت. همچنین والدین بدانند، خداوند پاداش تربیت فرزند را برای والدین ضایع نمی‌کند.

از آنجا که امام حسین(ع) دختر خود حضرت رقیه(ع) را بسیار دوست می داشت، روشن شد که اسلام همواره برای دختر ارزش قائل است تا با تفکر جاهلیت در آن روز و عصر حاضر در قبال دختران مبارزه کند.

### منابع

- ابراهیمی فر، علی اصغر (۱۳۸۵ش)، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش های صدا و سیما.

- ابن اَبی الحدید، عبد الحمید بن هبء الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن اَبی الحدید، قم، بی نا، چاپ اول.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم، بی نا، چاپ دوم.

- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۰ش)، لهوف، ترجمه: میر ابوطالبی، قم، بی نا، چاپ اول.

- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم، بی نا، چاپ اول.

- ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق)، لسان العرب، بيروت، بی نا، چاپ سوم.

- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (١٣٨٠ش)، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحزان)، قم، چاپ اول.

- امین، سید محسن (١٤٠٦ ق)، أعیان الشیعة، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله (١٤١٣ق)، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، قم، بی نا، چاپ اول.

- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (١٣٧٤ش)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ اول.

- (١٤١٣ق)، مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، قم، بی نا، چاپ اول.

- پیشوایی، مهدی (١٣٧٩ش)، سیره پیشوایان، نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم(ع)، قم، موسسه امام صادق(ع)، چاپ یازدهم.

- تبریزی، جعفر (بی‌تا)، تحقیق و پژوهشی پیرامون حضرت رقیه(ع)، قم، دارالصدیقه الشهیده.

- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۷ق)، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، بیروت، بی نا، چاپ اول.

- جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، قم، موسسه دائرة المعارف اسلامی بر مذهب اهل بیت(ع)، چاپ اول.

- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۶ق)، صحیفه الإمام الرضا(ع)، مشهد، بی نا، چاپ اول.

- حائری مازندرانی، محمد مهدی (۱۳۹۱ش)، معالی السبطين (بخش امام حسین(ع))، ترجمه: مرتضی فهم کرمانی، قم، صحیفه خرد، چاپ دوم.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم، بی نا، چاپ اول.

- حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب (۱۴۱۸ق)، تسلیة المُجالس و زینة المُجالس (مقتل الحسین(ع))، قم، بی نا، چاپ اول.

- حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم، الحدیث، چاپ اول.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دمشق، چاپ اول.

- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹ش)، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول.

- صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران، بی نا، چاپ ششم.

- (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا (ع)، تهران، بی نا، چاپ اول.

- (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، قم، بی نا، چاپ اول.

- (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، بی نا، چاپ دوم.

- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، کتاب التفسیر، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.

- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، چاپ اول.

- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، بی نا، چاپ دوم.

- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، چاپ اول، اصفهان.

- (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، چاپ دوم.

- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، چاپ یازدهم.

- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹ش)، نفس المهموم (ترجمه: در کربلا چه گذشت)، ترجمه: محمدباقر کمره ای، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دهم.

- کرمی، بختیار (۱۳۸۵ش)، نقش تبلیغی حضرت سجاد(ع) در واقعه کربلا، تهران، نشر اوحدی، چاپ اول.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، کافی، قم، دار الحدیث، چاپ اول.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت، چاپ دوم.
- محمدی ری شهری، محمد و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱ ش)، دانشنامه قرآن و حدیث، ترجمه: حمیدرضا آژیر و علیرضا شیخی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
- مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۸۸ ش)، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوازدهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و چهارم.
- (۱۳۷۹ ش)، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و چهارم.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، چاپ اول.
- مقرر، سید عبدالرزاق (۱۳۸۶ ش)، مقتل مقرر، ترجمه: محمدجواد مولوی نیا، قم، انتشارات جلوه کمال، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول.

- (بی‌تا)، عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم، مدرسه‌الامام  
علی بن ابی طالب(ع).

- نظری منفرد، علی (۱۳۷۹ش)، قصه کربلا، قم، انتشارات سرور.

پی‌نوشت‌ها:

[۱] کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جان‌های خود در  
راه

خدا جهاد کردند و آن‌ها که پناه دادند و یاری نمودند، آن‌ها یاران یکدیگرند  
و آن‌ها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ‌گونه ولایت [دوستی و  
تعهدی] در برابر آن‌ها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین  
(خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آن‌ها را یاری کنید، جز بر ضدّ  
گروهی که میان شما و آن‌ها، پیمان (ترک‌مخاصمه) است و خداوند به آنچه  
عمل می‌کنید، بیناست. (انفال / ۷۲)

[۲] چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران)  
تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟، همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند  
خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از

طرف خود سرپرست قرار بده؛ و از برای ما از طرف خود یار و یآوری تعیین  
فرما. (نساء / ۷۵).